

## مبارزه برای افزایش دستمزدها ادامه خواهد یافت

حداقل دستمزد برپایه سبد هزینه مُصر است، اما وقتی که از سوی خواجه نوری معاون تنظیم روابط کار و زارت کار اعلام گردید حداقل دستمزد کارگران ۱۰۶۰۰ تومان تعیین شده است وادعا نمود رقم افزایش دستمزد، بیش از نرخ تورم است، آقای محجوب (وشرکاء ایشان) نیز طبق معمول نه فقط به این تصمیم رضایت داد و آن را پذیرفت، بلکه با ایراد سخنان مشابهی، به تقدير از درصفحه ۵

بعد از رد وبدل شدن چند دور بحث و جدل میان نمایندگان کارگران، دولت و به اصطلاح نمایندگان کارگران، دو سه روز مانده به پایان سال ۸۲، شورای عالی کار در آخرین جلاس خود، حداقل دستمزد کارگران را برای سال ۸۳ تعیین کرد. در حالی که به اصطلاح نمایندگان کارگر (که در واقع همان سران شورای اسلامی و خانه کارگر هستند) بر مبنای سبد هزینه، رقم ۲۰۸ هزار تومان را پیشنهاد کرده بودند و علی رضا محجوب دبیر کل خانه کارگر ادعامی کرد در تعیین

## خاور میانه، معضل پیچیده جهان سرمایه داری

منطقه خاور میانه به یک معضل بزرگ و لایحل جهان سرمایه داری تبدیل شده است. تضادهای ایجاد شده در این منطقه، از هر سو سر باز می‌کنند. تلاش‌های متعدد قدرت‌های بزرگ امپریالیست جهان سرمایه داری برای مهار تضادها و بحران‌های این منطقه نه تنها کارساز نبوده است، بلکه بالعکس تضادها را تشید و دامنه بحران‌های آن را گسترش داده اند.

انفجار چندین بمب در قطارهای مسافری بری اسپانیا، توسط تروریست‌های اسلامگر، صحنه درگیری را از خاور میانه به قلب اروپا کشانده است. وحشی گری امپریالیستی مایه ازاء خود را در وحشی گری اسلامگر ایان یافته است. اکنون دیگر تنها قدرت‌های بزرگ جهان نیستند که دستگاه نظامی شان را برای کشتار توده‌های مردم زحمتکش و بی دفاع خاور میانه از آمریکا و اروپا به سوی این منطقه گسلی می‌دارند، بلکه اسلامگر ایان نیز مردم غیر نظامی و بی دفاع اروپا را که در تظاهرات‌های میلیونی دو سال گذشته نشان داده اند، مخالف سیاست‌های جنگ طلبانه و توسعه طلبانه طبقه حاکم کشور خود و تمام قدرت‌های امپریالیستی هستند، بی‌رحمانه کشتار می‌کنند. در پی اقدام تروریستی اسلامگر ایان در اسپانیا، ترس و وحشت اروپا و آمریکا را فراگرفته است. قدرتمند ترین دولت‌های جهان درصفحه ۲

## زنان فلسطینی گروگان خشونت نظامی



صفحه ۴

## مبارزه طبقاتی و رهائی زن (۳۸)

در بریتانیا، روند آرام صنعتی شدن، نخست به گسترش تشكل در میان کارگران ماهر انجامید که حریطه انحصاری آنها محسوب می‌گردید. این روند بر خلاف آلمان بود که در آن جا، صنعتی شدن شتابان، موجب رشد اتحادیه‌های عمومی شد که تمام کارگران زن و مرد، ماهر و غیرماهر را در بر می‌گرفتند. در فاصله سال‌های ۱۸۹۱ تا ۱۹۱۰، عضویت در اتحادیه‌های کارگری بریتانیا از ۱۱۰۹۰۰ به ۲۵۶۵۰۰ نفر افزایش یافت و ۲/۵ برابر شد. در دوره مشابه، در اتحادیه‌های کارگری آزاد آلمان، تعداد اعضاء از ۲۷۸۰۰ به ۲۰۱۷۰۰۰ رسید. در این اتحادیه‌ها، برابر شدن (pelling) - تاریخ جنبش اتحادیه‌ای در بریتانیا - لندن ۱۹۶۳ - صفحه ۲۶۲).

درصفحه ۸

## در این شماره

فتاوی دوباره  
در منع اعتراض

۳ اخبار از ایران

۴ اخبار کارگری جهان

شده اند. روایه نظامیان آمریکایی به حدی و خیم است که در سه، چهار ماه اخیر تعداد کسانی که خودکشی کرده اند به یکباره چند برابر شده و اکنون از دهها خودکشی سخن می‌گویند. چیزی به نام امنیت نه برای مردم عراق و نه سربازان اشغالگر وجود ندارد.

در چنین کشوری، کسی عجالتا قادر به حکومت کردن نیست. امپریالیسم آمریکا که در مخصوصه قرار گرفته است در تلاش است که هر طور شده، به ظاهر قضیه، سروسامانی بدهد و به دولت تحت الحمایه خود شکلی رسمی و فلانوی بخشد. اما لشکر کشی نظامی آمریکا به عراق و تلاش برای پایدار ساختن سلطه خود براین کشور چنان تضادهایی را در این کشور پیدا آورده است که باید گفت آنچه که اکنون هست، تنها پیش پرده نمایش است. آمریکا عراق را برای یک جنگ داخلی آماده کرده است. با این تشبیه تضادهایی که امپریالیسم آمریکا مسبب آن است، اینده عراق با درگیری های مذهبی، قومی و ملی همراه خواهد بود. همین مسئله به نحوی در افغانستان نیز رخ می دهد. در اینجا نیز چندین هزار نیروی جدید ناتو کفایت نکرد و آمریکا در تدارک گسیل چند هزار نیروی دیگر است. این در حالی است که جنگ و درگیری به مناطقی از پاکستان کشترش یافته است.

مسئله فلسطین و اسرائیل نیز نه تنها لایحل مانده است بلکه با سیاست های کابینه شارون پیچیده تر شده است. تنها اشاره به همین فاکت ها کافی است تا بینیم امپریالیسم نه تنها هیچ راه حل برای حل تضادها و بحران های خاور میانه نداشته وندارد بلکه بالعکس با هر گامی که در این منطقه برداشته و بر می دارد، این تضادها را تشدید و بحران را عمیق تر می کند. لذا چشم اندازی که اوضاع سیاسی کنونی منطقه ارانه می دهد، تلاطمات سیاسی شدیدتر در این منطقه است. برای توده های کارگر و زحمتکش مردم ایران هنوز این فرست هست که به شیوه ای انتقلابی و مختص خود، مسائل جامعه ایران را حل کنند و طبیعتاً بر جوامع پیرامونی خود تاثیر مثبت بگذارند، اما این نیز واقعیتی است که برای مدتی طولانی نمی توانند از تأثیرات منفی اوضاع سیاسی جوامع پیرامون خود برکنار باشند.

### کمک مالی رسانیده

کانادا - اتاوا رفیق جهان ۱۰۰ دلار

## خاور میانه، معرض پیچیده جهان سرمایه داری

تشدید کند.

به واقعیت های موجود در عراق نگاه کنیم. امروز دیگر همه می دانند که لشکر کشی امپریالیسم آمریکا به عراق و اشغال نظامی این کشور، هیچ ربطی نه به مسئله ۱۱ سپتامبر و القاعده و طالبان داشت و نه سلاح کشتار دستجمعی و دیکتاتوری و دمکراسی. بلکه برنامه ای از پیش تعیین شده بود و در اولویت نخست بوش برای اشغال نظامی برخی کشورهای منطقه به منظور کسب سلطه انصاری بر بازارها و نفت منطقه خاور میانه، قرار داشت. اگر کسی تاکنون در این مورد شک و شبهه ای هم داشت، اکنون قاعده ای باید افساگری جناح های رقیب هیئت حاکمه آمریکا علیه یکدیگر در جریان مبارزات انتخاباتی اخیر و انتشار کتاب ریچارکلارک، عضو شورای امنیت عالی و مشاور پیشین بوش در مبارزه با تروریسم و اظهارات بعدی وی، حققت بر همگان روشن شده باشد.

مستثنی از این که سیاستمداران و استراتژیست های انصاریات آمریکایی برای پیشبرد سیاست خود در زمینه سلطه انصاری بر منطقه خاور میانه چگونه برنامه ریزی کرده بودند و در مخیله شان چگونه فکر می کردند، این واقعیت، پیشپیش روشن بود که نه تنها اشغال نظامی یک کشور، و اکتش شدید مردم را نسبت به اشغالگران در پی خواهد داشت بلکه در کشوری مثل عراق منجر به تقویت بنیادگر ایان اسلامی طرفدار جمهوری اسلامی ایران خواهد شد و تضادهای مذهبی، قومی و ملی را نیز تشدید خواهد کرد.

رونده تحول اوضاع در افغانستان یک سال پیش از سرنگونی طالبان، نشان می داد که اگر قدرت جمعی امپریالیست ها پس از سرنگونی یک رژیم به غایت منفور و ارتجاعی، توانسته است، کمترین شباتی در این کشور پیدا آورد، در عراق آن هم با اختلافات شدیدی که در میان قدرت های امپریالیست پیدا می کند، بدهی بود، که چنین ثباتی مطلقاً دست نیافتی است. ارش آمریکا و انگلیس ظاهرا پیروز شده اند و کشور عراق را به اشغال نظامی خود درآورده اند. اما این پیروزی ظاهر قضیه است. آمریکا حتا از نظر نظامی نیز در عراق با بن بست جدی روبروست. در همین یک سالی که از اشغال عراق می گذرد، حداقل ۵۰۰ نظامی آمریکایی به قتل رسیده اند و صدها مصدوم به آمریکا منتفع

سرمایه داری با آن همه توان نظامی، پلیسی و امنیتی، خود را عاجز و ناتوان می بینند. اجلاس های پی در پی سران این دولت ها و دستگاههای امنیتی شان چاره ساز نبوده و نیست. معرض این است که تروریست اسلامگر، قرارگاه وکشور ویژه ای ندارد که بشود دستگیر و یا نابویش کرد، معهداً نه فقط در آسیا و آفریقا بلکه در اروپا و حتا آمریکا حضور دارد. نکته مهم تر اما این است که گروههای پان اسلامیست و بنیادگر ای راه را احتیاط نمایند از میان انسان های فقیر، گرسنه و نا آگاه که محصولات میلیونی نظام سرمایه داری، سال های متتمادی سلطه ستمگرانه امپریالیسم و اختناق و سرکوب دیکتاتوری های عربی هستند، سربازگیری کنند. پس واضح است که عجز و ناتوانی بزرگترین قدرت های جهان سرمایه داری در برابر پدیده تروریسم اسلامی از کجا منشاء می گیرد. اما مسئله فقط این نیست که آنها راه حلی برای آن ندارند، بلکه ذات سیاست های آنها ایجاب می کند که بنیادگر ایان اسلامی و همراه با آن تروریسم اسلامی را تقویت کنند.

سال های متتمادی است که رژیمی نز اپرست به نام اسرائیل، مردم فلسطین را از حق حیات محروم نموده است، سرزمینشان را اشغال و آنها را آواره کرده است. روزمره این مردم ستمدیده را سرکوب می کند و دستگیر می نماید، به زندان می اندازد، ترور و کشتارشان می کند. حتا اردوگاه های آوارگان را با توب و تانک و بمباران با خاک یکسان می کند. هم اکنون یک فلاشیست نژاد پرست در رأس دولت اسرائیل به نام شارون، وحشیانه ترین سرکوب را علیه مردم فلسطین اعمال می کند، و این رژیم مردم حمایت همه جانبه قدرت های امپریالیست جهان به ویژه امپریالیسم آمریکاست. بدیهی است که در چنین شرایطی بنیادگر ایان اسلامی که از حمایت ها و امکانات مادی و تسليحاتی دولت های مذهبی منطقه نظیر جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی برخوردارند در جنبش خلق فلسطین رشد کنند. در تعداد دیگری از کشورها نه فقط در خاور میانه بلکه در آسیا و حتا آفریقا نیز سیاست های قدرت های امپریالیست جهان بنیادگر ای اسلامی را در هر گام تقویت می کنند. امپریالیسم نه فقط راه حل بر تضادها و بحران های خاور میانه ندارد، بلکه بنا به ماهیت خود می باید پیوسته این تضادها را

در روزهای آخر اسفند ۸۲، بیش از ۸۰ تن از کارگران سد کارون ۳ به آن که حقوق و مطالبات آنان به طور کامل پرداخت شود، از کار اخراج شدند. اخراج کارگران در حالی صورت می‌گیرد که این کارگران از ۵ سال پیش فعالیت خود را در این بخش آغاز کرده‌اند. بنابراین خبرهای انتشار یافته، قرار است شمار اخراج شدگان بر ۱۵۰۰ کارگر بالغ شود. کارگران نسبت به این اقدامات معتبرضند و خواستار احفاظ حقوق خویش می‌باشند.

جمع زیادی از دانشجویان، در شب چهارشنبه سوری، با تجمع در برابر کوی دانشگاه در خیابان امیر آباد، همراه با شمار زیادی از مردم و جوانان محل، مراسم چهارشنبه سوری را به یک اجتماع اعتراضی علیه حکومت تبدیل کردند. این تجمع اعتراضی که با شعارهایی علیه حکومت و سران آن همراه بود، به درگیری میان مردم و نیروهای سرکوب و بسیجی کشیده شد که یک تن بسیجی مجروه و توسط نیروهای انتظامی به بیمارستان منتقل گردید.

پرداخت نشود، به اعتصاب خود ادامه خواهد داد.

#### □ معلمان در تدارک اعتصابات سراسری دیگر

برمبانی خبرهای انتشار یافته، معلمان کشور در صدد سازماندهی اعتصابات سراسری دیگری هستند. چنانچه رژیم همچنان از برآورده ساختن مطالبات این قشر زحمتکش خودداری کند، آنان در روزهای ۱۳ تا ۱۷ اردیبهشت به مدت یک هفته دست به اعتصاب و اعتراض خواهند زد.

#### □ چند خبر کوتاه

بیش از ۴ ماه است حقوق کارگران نساجی کرستان پرداخت نشده است. این کارخانه که متعلق به بانک صنعت و معدن بود، پس از واگذاری به بخش خصوصی، عملاً تعطیل شده و ۱۵۰ کارگر آن بلاکیف مانده‌اند.

## خبری از ایران

#### □ کارگران لوله سازی، جاده را بستند

کارگران کارخانه لوله سازی خوزستان، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و پاداش عیدي، روز چهارشنبه ۲۷ اسفند، در محل کارخانه دست به تجمع اعتراضي زندن. در ادامه این اقدام اعتراضي، کارگران جاده اهواز خرمشهر را از هر دو طرف مسدود ساختند.

شایان ذکر است که بیشتر از هشت ماه است که حقوق کارگران پرداخت نشده است. این در حالیست که "كمیته بحران" مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان جهت پرداخت حقوق کارگران تصویب نموده و مدیر عامل کارخانه نیز پس از دریافت آن، تصمیم داشت این مبلغ را صرف هزینه های دیگری بنماید. مشکلات کارگران این کارخانه، طی چند سال اخیر دائمارو به افزایش بوده است. از مرداد ماه سال ۸۲ که این واحد به بخش خصوصی واگذار گردید، برمشکلات کارگران و نابسامانی های این واحد، به طور چشم گیری افزوده شده است. آب شرب و برق کارخانه، به مدت چند هفته قطع شده است. کارگران لوله سازی اهواز با این اقدامات اعتراضي خود، خواستار پرداخت فوري مطالبات و رسیدگی به مشکلات خود شدند. سرانجام قرار شد، تمام مطالبات کارگران پرداخت شود.

#### □ تظاهرات کارگران در کاشان

تعداد زیادی از کارگران رسندگی و بافتندگی کاشان همراه با اعضاء خانواده های خویش دست به اعتراض زندن و روز ۲۸ اسفند ۸۲ با تجمع و تظاهرات در خیابان های شهر، خواستار پرداخت عیدي و حقوق های معوقه خود شدند. شماری از کارگران نیز که در زمرة کارگران اخراجی هستند، نسبت به اخراج خویش اعتراض نموده و خواستار بازگشت به کار شدند. بیشتر از ده ماه است که دستمزد کارگران پرداخت نشده است. خبرها حاکی از آن است که مزدوران رژیم و نیروهای ضد شورش، کارگران معتبرض را مورد حمله و ضرب و شتم قرار داده‌اند.

#### □ اعتصاب صیادان انزلی

صیادان زحمتکش کیلکا در گیلان برای چندمین بار دست به اعتراض زندن و روز سه شنبه ۲۶ اسفند با تجمع در محل اداره کل شیلات در بندر انزلی، خواستار پرداخت خسارات تعیین شده توسط دولت شدند. آنان اعلام کردند تا زمانی که خسارات تعیین شده

## بهار

### دیرزمانی بیش از آنکه به نفت و آهن و آمونیاک دست یابیم هر سال

در زمانی معین، درختان سبز می‌شدند.  
همه به یاد می‌آوریم  
روزهای بلندتر شده،  
آسمان روشن تر،

و دگرگونی هوا را  
که زوید بهار می‌دادند.  
و نیز در کتاب‌ها می‌خوانیم  
که در این فصل فرخنده‌ی سال،  
دیریست که دیگر

#### در شهرهای ما

دسته‌های پرندگان مهاجر دیده نشده است.  
باز، مردمی که در قطارها نشسته‌اند، زودتر از دیگران  
فرارسیدن بهار را در می‌یابند.

دشت‌های هموار، به همان  
آشکاری قدیم، بهار را نشان می‌دهند.

از فراسوی بلندی‌های بلند

چنین به چشم می‌آید که توفانی درگذر است  
که فقط

آنچهای ما را لمس می‌کند.

## برتولت برشت

## اخبار کارگری جهان

\* اعتراض جهانی  
به حضور نظامی در عراق



### زنان فلسطینی گروگان خشونت نظامی

طی هفته اول و دوم ماه مارس که مصادف است با برگزاری روز جهانی زن، کمیته زنان اسرائیلی فلسطینی طوفدار صلح با برگزاری گردهم آیی ها و تجمعات متعدد ضمن اعتراض علیه خشونت نظامی دولت اسرائیل به استقبال روز زن رفتند.

در این مراسم که دو هفته ادامه داشت، صدها زن فلسطینی نسبت به جنگ و کشتار و خشونت دولتی به اعتراض برخاستند. آنها همچنین با برگزاری یک نمایش سمبولیک، اعتراضان را نسبت به ساخت دیوار حایل نشان دادند. در قطعنامه پایانی، برگزار کنندگان این مراسم از جهانیان خواسته اند نسبت به خشونت بی وقهه ای که علیه فلسطینیان، زنان و کودکان می شود، چشم خود را نبندند. در همین قطعنامه اشاره شده است که بمب و آتش و خون، زندگی روزمره زنان و مردان منطقه را برهم زده و زنان گروگان این خشونت اند.

طور قاطع و صرح تری نسبت به گذشته به اخراج پناهجویان دست زده اند. در هلند بسیاری از پناهجویانی که سالهایست در کمپ های پناهجویی به سر می برند، در آستانه استرداد هستند. حدود ۲۶ هزار تن از پناهجویان طی ماههای آینده به کشورهای مبدأ بازگشت داده می شوند.

در همین رابطه بیش از ۴۰۰ سازمان و گروه و حزب و نهاد اجتماعی و فرهنگی در هلند در اعتراض به این سیاست های غیر انسانی روز ۱۰ آوریل دست به تظاهرات و تجمع در آمستردام خواهند زد.

در برابر این سیاست دولت هلند، حتا سازمان عفو بین الملل نیز از خود عکس العمل نشان داده و با صدور یک اطلاعیه، ضمن حمایت از این قربانیان، بیادآور شده است که پناهجویان به ویژه زنان قربانیان جنگ و تجاوزنده هم اکنون در آستانه اخراج قرار دارند و باید از استرداد آنها جلوگیری شود.

در دومین ساروز تجاوز نظامی آمریکا و متحدینش به عراق روز ۲۰ مارس در صدها شهر جهان تظاهرات هایی علیه حضور نظامی امپریالیستها در عراق برگزار شد. در ایتالیا، انگلستان و اسپانیا که بزرگترین تظاهرات ها در آنجا برگزار شد، تظاهر کنندگان خواهان خروج فوری از عراق شدند. همچنین اعتراض به اطلاعات غلطی که دولت های آمریکا و انگلیس برای زمینه سازی تجاوز نظامی خود در رسانه های عمومی منتشر کرده بودند، یکی دیگر از موارد اعتراض تظاهر کنندگان بود. در لندن تظاهر کنندگان شعار می دادند: "دروغ کافی است، حقیقاً را بگوئید"

\* اعتضاب عمومی در ایتالیا

روز ۲۶ مارس در ۶۰ شهر ایتالیا به دعوت اتحادیه های کارگری، یک اعتضاب عمومی ۴ ساعته در اعتراض به محدود کردن مزایا و بیمه بازنشستگی و افزایش سن بازنشستگی برگزار شد. در جریان این اعتضاب عمومی، بخش خدمات (پست، حمل و نقل، شهرداری) دست از کار کشیدند.

\* پناهجویان، زنان،  
بازماندگان جنگ ها و نسل  
کشی ها، در آستانه اخراج از هلند

اتش جنگ و تجاوز نظامی در بسیاری از مناطق جهان شعله می کشد و دهها هزار نفر را به کام مرگ می کشاند. میلیون ها نفر در سراسر جهان در اثر این درگیری های نظامی خانه و کاشانه خود را از دست داده و راهی کشورهای دیگر می شوند.

بسیاری از این افراد زنانی هستند که قربانی جنگ و تجاوز و خشونت اند. با این وجود کشورهای اروپایی که از سال ها پیش با اعمال کلیه فشارهای حقوقی و اقتصادی، درهای خود را به روی پناهجویان بسته اند، طی ماههای اخیر به

در شماره ۲۵ نشریه کار در صفحه بندی مقاله "در هائیتی چه می گذرد؟" جاگایی صورت گرفته که بین وسیله از خوانندگان نشریه پوزش می طبیم.  
خوانندگان نشریه کار می توانند با مراجعه به سایت سارمان، بخش فونت فارسی به طور کامل به این مقاله دسترسی پیدا کنند.

نشانی ما بر روی اینترنت :

دستمزد کارگران اضافه شود، به نحوی که کل دستمزد با معیشت کارگری لاقل مخوانی داشته باشد، "یکباره" به بازار اقتصادی "شوك" وارد می شود؟!

از این‌ها گذشته، اگر پذیرفته شده است که دستمزد‌ها پائین‌تر از معیشت کارگری است، دولت می‌تواند برای جلوگیری از وارد شدن "شوك" به بازار اقتصادی، دستمزد‌ها را نه "یکباره"، که چند بار در سال اضافه کند. شما هر ۴ یا هر ۶ ماه یکبار، دستمزد کارگران را اضافه کنید، تاهم از وارد شدن شوک به بازار اقتصادی جلوگیری شود، هم دستمزد‌ها سریع‌تر به سطح معیشت کارگری برسد!

در هر حال روشن است که دستمزدهای کارگری با هزینه‌ها و نیازهای واقعی کارگران، مطلقاً خوانایی ندارد. صرف نظر از حدود ۶ میلیون کارگر بیکار که هیچگونه دستمزدی نمی‌گیرند و منبع در آمدی ندارند، اگر این واقعیت را در نظر بگیریم که این میزان ناچیز افزایش دستمزد، فقط شامل حال اقلیت بسیار محدودی از کارگران می‌شود و کارگران کارگاههای کوچک خارج از شمول قانون کار که بیش از ۹۰ درصد کارگران را تشکیل می‌دهند، مشمول این افزایش دستمزد نمی‌شوند و اگر این موضوع را نیز در نظر بگیریم که امروز بخش بزرگی از کارگران کارگاههای بزرگ نیز در برخی استان‌ها حتا تا ۷۵ درصد کارگران با قراردادهای موقت کار می‌کنند که قانون کار و در نتیجه افزایش دستمزد، شامل آنها نیز نمی‌شود، بنابراین این مسئله از روز هم روشن‌تر است که مبارزات کارگران برای احقيق حقوق خود و برای افزایش دستمزد‌ها ادامه خواهد یافت.

## با کمک‌های مالی خود سازمان را یاری رسانید

## مبازه برای افزایش دستمزد‌ها ادامه خواهد یافت

۵ درصد هم فرض کنیم، باز هم میزان افزایش دستمزد، در مقایسه با رشد نرخ تورم بسیار پائین‌تر و کمتر است.

در حالی که برپایه آمار وارقام ارائه شده توسط روزنامه‌های رژیم، ۲۵۰ هزار تومان در آمد ماهانه خط‌فقر تعیین شده است، در حالی که طبق اعتراف برخی از حتا همکاران همین آقای محظوظ، ۸۰ درصد دستمزد کارگران را اجاره خانه می‌بلعد، روشن است که ۱۰۶۰۰ هیج عنوان جواب گوی نیازهای معیشتی کارگران نیست.

البته که سرمایه داران، دولت و سران رژیم همه این مسئله را می‌دانند. همین آقای خواجه نوری معاون وزیر کار هم به این موضوع که دستمزد‌ها برابر معیشت کارگری نیست، اذعان و اعتراف نموده و وعده دادکه این برابری در چهار سال آینده تأمین شود. خواجه نوری می‌گوید "از آنجا که افزایش یکباره دستمزد کارگران جهت نزدیک ساختن مزد و معیشت موجب وارد آوردن شوک به بازار اقتصاد می‌شود، از این پس طی چهار سال آینده بقیه اضافات تا رسیدن به برابری مزد و معیشت اعمال می‌شود (ایلنا ۱۲/۲۶ ۸۲/۲ تاکید از ماست)

آقای معاون وزیر البته توضیح نداد که چگونه است که در این مملکت هزار و یک اتفاق می‌افتد، کسی به یاد وارد آمدن شوک به بازار اقتصادی نمی‌افتد؟! قیمت برخی کالاهای به یکباره تا صد درصد اضافه می‌شود، شوکی به بازار اقتصادی وارد نمی‌شود، مبالغ کلانی اسکناس‌های بدون پشتوانه به یکباره چاپ و وارد بازار می‌شود، شوکی به بازار اقتصادی وارد نمی‌شود! فلان تاجر و سرمایه دار، کمیت زیادی پارچه و کفش و امثال آن را از خارج به یک باره وارد بازار داخلی می‌کند، ایشان را به یاد وارد آمدن شوک به بازار اقتصادی نمی‌اندازد، اما همین که قرار است مبلغ ناچیزی به

دولت نیز پرداخت. آقای محظوظ چنین مطرح کرد که "در گفتگوهای حداقال دستمزد، نماینده کارگر بر اعمال سبد هزینه و نماینده کارفرما، بر تورم تاکید داشتند که دولت راه میانه را پیشنهاد کرد و این عکس العمل دولت قابل تقدیر است"!

البته که تقدیر یک کارگزار رژیم، از دولت، نه جدید است و نه تعجبی را بر می‌انگیزد. در عین حال تراشیدن یک نقش میانجی و میانه هم، برای دولتی که خود بزرگترین سرمایه دار و کارفرماس است، تلاش عیث و بیهوده ای است که هیچکس آن را باور ندارد. اما این که دستمزدها بیش از نرخ تورم افزایش یافته باشد، این یک دور غمzug است. او لا بانک مرکزی تا پایان سال ۸۲، هنوز رقم دقیق نرخ تورم را اعلام نکرده بود. بانک مرکزی در پاسخ به سوالات خبرگزاری پارس، نرخ تورم مربوط به یازده ماه سال ۱۵/۹ را رقمی حدود ۱۶ درصد (درصد) اعلام کرده بود و به همین خبرگزاری اعلام شده بود که نرخ دقیق تورم سال ۸۲ در اواسط فروردین ۸۳ اعلام خواهد شد. دوام همه می‌دانند که اعلام سازی‌های رژیم در مورد نرخ رقم سازی‌های رژیم در ساله توسط بانک مرکزی اعلام می‌شود.

وقتی که از اول سال ۸۲، قیمت بنزین صد درصد افزایش یافته است، وقتی که بهاء سایر مواد سوختی، خدمات دولتی، جبوبات، هزینه مسکن و برخی دیگر از مایحتاج عمومی از ۲۵ تا ۳۵ درصد افزایش یافته است، وقتی که نقدینگی که قرار بود در حد ۱۵ درصد باقی بماند، بنا به گزارش خبرگزاری پارس، تا ۳۰ درصد افزایش یافته است، این موضوع به خودی خود روشن است که نرخ تورم بسیار بیشتر از رقم ساختگی اعلام شده توسط بانک مرکزی می‌باشد. چنان‌چه نرخ تورم را ولو با اغراض، رقمی حدود ۳۰ تا

گرفتن حق خود، در انتظار صدور اجازه نشسته بودند و به حکم شرعی و فتوای خمینی مرجع که در سلسله مراتب نظام اسلامی چند سروگردن از رهبر فعلی حکومت اسلامی بالاتر بود و قعی نگذاشتند، از روز هم روشن تر است که برای صدور مجدد آن توسط خامنه‌ای نیز پیشیز ارزش قائل نخواهد شد. کما این که درست در همان لحظاتی که آقای ولی فقیه مشغول رونویسی فتوای خمینی در زمینه منع اعتضاب بود، بسیاری از کارگران در حال اعتضاب بودند.

واقعیت آن است که اعتضابات وسیع و گسترش یابنده کارگران، اعتضابات عمومی معلمان، اعتضابات متعدد پرستاران و دانشجویان و نیز اعتراضات و تظاهرات خیابانی و شورش‌های توده ای در شهرهای مختلف ایران که موجودیت جمهوری اسلامی را اشکارا زیر سوال برده است، سران رژیم را نیز به شدت نگران و بیمناک ساخته است.

فتوای دوباره در منع اعتضاب و "هرگونه عملی که موجب تضعیف نظام مقدس اسلامی" شود، تلاشی است برای پاسخگویی به این شرایط و جلوگیری از روند رو به افزایش اعتضابات و اعتلاء مبارزات توده‌ای. تجربه اما عقیم بودن و بی‌ثمر بودن این گونه ترددتها وابن تلاش و پاسخ را به ثبوت رسانده است. حال بگزار تا ابلهان، تجربه را دوباره تکرار کنند.

## فتوای دوباره در منع اعتضاب

ادمه سرکوب و بی حقوقی کارگران نبود. در "نظم مقدس جمهوری اسلامی" نه فقط "اعتضاب" بلکه "هرگونه عملی که موجب تضعیف" ان شود، ممنوع و غیرمجاز است! (خرگزاری اینا فتوا خامنه‌ای) پاسخ خامنه‌ای در مورد حق اعتضاب، بار دیگر بر این مسئله روش صحه گذاشت که سرکوب و خفغان و تحمل بی حقوقی بر کارگران، نه استثناء و منحصر به این یا آن شرایط، بلکه امری ذاتی و قاعده این نظام ارجاعی و استثماری است. جمهوری اسلامی، خود، می‌تواند استثناء باشد، اما استثنائی است که قاعده اش نقض خشن و پایمال کردن حقوق دمکراتیک کارگران است. نباید فراموش کرد که طرح دوباره فتوا منع اعتضاب و تاکید مجدد بر محرومیت کارگران از حق اعتضاب، زمانی دارد به میان کشیده می‌شود که اعتضابات و اعتضابات کارگری و توده‌ای به نحو چشمگیری در حال افزایش است.

طرح دوباره این مسئله در عین آن که انعکاس زیونی و ناتوانی رژیم در برابر موج گسترش یابنده اعتراضات و اعتضابات است، در عین حال به معنای صدور فرمان سرکوب بیش از پیش کارگران هم هست. با این همه، بسی خام خیالی است هر آینه کسی تصور کند با این "فتواها" و عربده جویی ها، می‌توان جلوی مبارزات و اعتضابات کارگری را گرفت. کارگران همان طور که تا کنون هم برای اعتراض و اعتضاب و

کارگران ایران از حق اعتضاب به عنوان یکی از ابتدایی ترین حقوق کارگری محروم‌ند. و فقط این نیست، کارگران از حق تحزب و ایجاد تشکل‌های خود نیز محروم اند و اجازه ندارند به طور آزاده دور هم جمع شوند و برای احراق حقوق خویش، مشترکاً دست به اعتراض بزنند. آزادی بیان و عقیده در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی تابوت و در یک کلام، حقوق اولیه کارگری که در بسیاری از کشورهای سرمایه داری به رسمیت شناخته شده است، تماماً توسط این رژیم، آن هم به خشن ترین نحوی، نقض و پایمال شده است و می‌شود.

اینها، البته نکاتی نیست که برکسی، به ویژه بر کارگران پوشیده مانده باشد. معهداً خانه کارگر، در راستای ایفای نقش دائمی خود برای مهار و انحراف مبارزات و اعتضابات کارگری، با "استفقاء" از آقای ولی فقیه در مورد حق اعتضاب، آنهم درست در آخر سال و لحظاتی که اعتضابات و اعتراضات کارگری سنتاً رشد و گسترش بیشتری پیدا می‌کند، کوشید تا ضمن ایجاد نفاق و فضای تزدید و دونلی در میان کارگران، به عبث چهره‌ی دیگرگونه ای برای رژیم ارجاعی و ضد کارگری حاکم بتراشد. خبرنگار اینا از خامنه‌ای چنین می‌پرسد "با توجه به حکم حکومتی منع اعتضاب کارگری در شرایط جنگ و نو پابودن انقلاب و با توجه به تغییر شرایط، آیا کارگران برای بی‌گیری اهداف صنفی و مقابله با سودجویان و استعمارگران، اجازه استفاده از حق اعتضاب را دارند؟ حکم شرعی اعتضابات کارگران امروزه چیست؟"

گرچه در این سوال کارگزاران رژیم، به روشی سعی شده است حکم حکومتی منع اعتضابات کارگری و فتوا خمینی مبنی بر "حرام" بودن اعتضابات کارگری با اشاره به "شرایط جنگی" و امثال آن توجیه شود و با وفاحت تمام، بر بازداشت‌های وسیع در محیط های کارگری، اعدام‌ها و اخراج صدها تن از پیشوایان و فعالین کارگری صحه گذاشته می‌شود، و باز اگر چه در این سئوال کوتاه، بر مسائل صرف‌آ صنفی و اعتضاب برای "اهداف صنفی" به سبک و سیاق محافل دوی خردادی و در واقعیت امر برای کنترل و مهار اعتراضات و اعتضابات کارگری تاکید ویژه شده است، اما پاسخ خامنه‌ای به این سئوال چیزی جز پاسخ تاکنوی رژیم و پاسخ سلف او، یعنی



## حق اعتضاب و ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری باید به رسمیت شناخته شود

رژیم جمهوری اسلامی توأم با سلب آزادیهای سیاسی مردم ایران، حق اعتضاب و تشکل مستقل را نیز از کارگران سلب نموده است. سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان آن است که بلاذرنگ حق اعتضاب و حق ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری به رسمیت شناخته شود.

**مرگ بر نظام سرمایه داری مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی  
سازمان فدائیان (اقلیت)  
کار\_نان\_آزادی\_حکومت شورائی**

در سال ۱۹۰۶، انجمن حق رأی عمومی به رهبری مارکگرت بوند مندل به منظور هماهنگ کردن مخالفین با قانون حق رأی محدود تأسیس شد. اما این انجمن کاملاً فاقد بازدهی بود. برخی از رهبران جنبش کارگری، مخالفت اشکار خود را با حق رأی برای زنان ابراز داشتند. افرادی ترین آنها Belfurt Bax یکی از "تئوریسین های SDF" بود. (باید خاطر نشان کرد که بسیاری از اعضاء فدراسیون از دیدگاه ضد فیوینیستی و راسیستی Box مبرا بودند. بسیاری از سوسیالیست های انتقلابی در SDF به رهانی زنان متعهد و پای بند بودند). در زیر به چند نمونه از اظهارات وقیحانه Bax اشاره می شود:

"... در انگلستان در حالی که زن، علاوه بر کلیه مستویت های خانه داری و شوهر داری معاف شده است، قانون فقرام مرد را ملزم می سازد که زنش را با تهدید مجازات سه ماه کارشاق، تحت تکلف نگهدارد. از همین رو من فکر می کنم که هیچ کس نمی تواند انکار کند که قوانین ازدواج موجود به سادگی یک "حلیه" است وزن را قادر به اعمال ستم و گول زدن مرد می کند." (Belfurt Box ۱۹۰۷ ص ۱۰۹)

قانون وعرف شوهر را مجبور می سازد که یا تن به کار اجباری دهد یا چنان بخشی از درآمد خود را به همسر واکدرا کند که او قادر به زندگی راحت وآسوده ای باشد. زن، انحصار ... وسائل ارضاء جنسی، یعنی بدنش رادر تملک خود دارد و برای این که مرد اجازه سترسی به آن را به دست آورد، قانون وی را مجاز می داند که اجاره و حق الزحمه ای در شکل غذا، پوشک، مسکن و به طور خلاصه ندارک زندگی برای زنی که او را به رعیت خود کرده، بدون هرگونه فشار، طلب کند."

(Bax ص ۱۲۱) فرض Bax برای اثبات این که زنان نباید حق رأی داشته باشند، این بود که زنان همانند سیاه پوستان، از نژادی پست تر هستند. "... نژادهای پست تر در همان رابطه ای با نژادهای برتر قرار دارند که کوکان با بزرگسالان دارند. افکار انان چنان با یکدیگر متفاوت است که هیچ مبنای در مورد برابری اندامی نمیتواند میان این دو وجود داشته باشد." در مورد زنان چنین ادامه می دهد: "بنابراین، من فکر می کنم که روش باشد، ما مجازیم که هر نوع نظام مربوط به حق رأی را چنانچه به عنوان نظم، دلالت بر پستی مبنای یک نقاوت ارگانیک داشته باشد که محتملاً همکاری آنها در زندگی سیاسی و اداری، خطر یا مانعی در برابر جامعه به طور کلی است، رد کنیم.

حال این سؤال مطرح می شود که آیا ما باید زنان را که نقاوتی عمیقاً ارگانیک دارند، نسبت به مردان پست تر بدانیم؟ اگر پاسخ مثبت است، پس ناگفته روش است که ما بر این اساس که این حق رأی سلامت جامعه را در مجموع به مخاطره خواهد افکند، مجازیم که با حق رأی برای زنان مخالفت کنیم." (همانجا ص ۱۲۱) تنها یک جنبش محافظه کار، یک جنبش از نظر ذهنی عقب مانده، همچون جنبش کارگری بریتانیا میتوانست Belfurt Box را پیدا آورد.

بریتانیا ۱۹۰۰ ۱۸۸۵ نیویورک ۱۹۶۷ ص ۸) برای آنهایی که خواهان حق رأی برای زنان بودند، دو گزینه موجود بود: یا برای همان ضوابطی مبارزه کنند که در مردان موردنگاربرد داشت، یا مبارزه برای حق رأی عمومی.

گزینه نخست، عملابدین معنا بود که یک اقلیت ناجیزی از زنان از حق رأی برخوردار گرندند. سیلویا پانخورست در این مورد می گوید: "اگر حق رأی برای زنان به همان شیوه که برای مردان بود، حاصل می شد، مادران کارگر قادر به برخورداری از این حق نبودند. تنها شوهران آنها، و نه خود آنها، می توانستند تنها از حق رأی به عنوان سرپرست خانواده برخوردار باشند. کارگری که با دستمزد ناچیز خود، اطاقتی را در یک خانه اجاره می کرد، مبلغی را که دریافت می کرد، به ندرت کاف مبلغ کردن خانه اش را می داد، چه برسد به آن که در آن حد باشد که قادر به برخورداری از حق رأی باشد. اما همسران، دختران و مادران ثروتمندان به راحتی می توانستند ضوابط و شروط برخورداری از حق رأی را ارائه کنند Pankhurst زندگی Pankhurst ص ۴۹)

ماری مک آرتور، برآورده بود که اگر زنان بر مبنای همان ضوابطی که مردان حق رأی کسب می کردنند، دارای حق رأی می شوند، تنها در صدشان صاحب حق رأی می شوند. شق دوم نیز با واکنش مساعد از سوی کسانی که در حزب کارگر بودند روبرو نمی شد. تا هنگامی که دو پنجم مردان حق رأی نداشتند، فراخوان "غیرممکن" حق رأی عمومی (از جمله برای زنان) به معنای الغای فلسفه تدرج گرایی حزب بود.

البته یک موضع سوم نیز وجود داشت: مخالفت با حق رأی زنان برای رأی این سه دیدگاه در بخش های مختلف ILP یعنی حزب کارگر، فدراسیون سوسیال دمکرات و اتحادیه های کارگری موجود بود. در کنفرانس هیئت های نمایندگی کارگران در ۱۹۰۵، Keir Hardie و فیلیپ سنودن، طی یک قطعنامه با این استدلال که "هیچ استثنائی" در حق رأی عمومی نیست، خواهان حق رأی برای زنان به همان شکلی که برای مردان ممکن بود، شدند. Snowdon یکی از بنیان گذاران ILP بود که خزانه دار کابینه حزب کارگر طی سال های ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۹ بود و سپس به دولت ملی رمزی مکدونالد پیوست که انتلافی بود با محافظه کاران. این قطعنامه با مخالفت Harry Quelch نماینده شورای صنوف لندن و عضو SDF مواجه شد وی چنین استدلال کرد که این امر به نفع زنان بورژوا خواهد شد و در نتیجه به افزایش کرسی های محافظه کاران و لیبرال ها خواهد انجامید. Quelch قطعنامه ای ارائه کرد و خواستار حق رأی عمومی شد. این اصلاحیه با ۴۸۳ رأی در مقابل ۱۷۰ رأی تصویب شد. در کنفرانس سال ۱۹۰۶ موضع Quelch مجدداً تائید شد، اما این بار با یک اکثریت ضعیف. از جمله دیگر شخصیت های سرشناس طرفدار حق رأی عمومی، "ماری مک آرتور" و "مارگارت بوند منل" از اعضای اتحادیه کارگران مغازه ها بودند.

## از صفحه ۸ مبارزه طبقاتی و رهائی زن (۳۸)

Millaard) سوسیالیسم پارلمانی لندن (۱۹۶۱ صفحات ۱۹ و ۲۰) در سال ۱۹۰۶، کنفرانس حزب کارگر با اکثریت قاطع، پیشنهاد اصلاح اساسنامه را که واژگونی نظام مبتنی بر رقابت سرمایه داری و برقراری یک نظام مبتنی بر مالکیت عمومی را هدف تعیین کننده حزب اعلام می داشت، رد کرد. Keir Hardie پرسید که آیا آن اعضا مجلس عوام که سوسیالیست نیستند باید تصویبه شوند؟ لاس زدن با لیبرال ها بی وقهه ادامه یافت تا این که جنگ جهانی اول در گرفت. این ترکیب محصر به فرد همکاری طبقاتی با بی نقاوتی اتحادیه ها و رهبران کارگری نسبت به کارگران غیر ماهر در شکل عام و زنان به طور خاص، در بریتانیا بود که به پیدایش سازمان هایی امثال اتحادیه کارگری و فدراسیون ملی زنان کارگر انجامید. یک چنین سازمان هایی نمی توانست در روسیه یا آلمان پیدا آیند. چرا که در این کشور ها، یک شکاف عمیق طبقاتی، سازمان های سیاسی و اقتصادی کارگران را از کارفرمایان جدا کرده بود. بنابراین، جایی برای باتوان خیر، که بخواهند زنان را در اتحادیه های زنان سازماندهی کنند، وجود نداشت. در عرصه سیاسی، نقاوت ها ملموس تر بودند. در آلمان و روسیه، کارگران دشمن سرخ است دولت بوند، چرا که سازمان های کارگری عمدتاً غیرقانونی بودند و همواره در معرض سرکوب و حشیانه قرار داشتند. درنتیجه، در هر دو کشور، مسئله حق رأی، به وضوح یک مسئله طبقاتی بود. کلیه احزاب سوسیالیست خواستار حق رأی عمومی بودند. هیچ کس در رویای محدود کردن حق رأی تنها برای مردان نبود. ماجرا در بریتانیا کاملاً متفاوت بود. در بریتانیا، در یک روند تدریجی طولانی به مردان حق رأی داده شده بود. در سال ۱۸۳۲ مردان طبقات متوسط، در ۱۸۶۷ بسیاری از کارگران مرد ماهر در ۱۸۸۴ تمام کارگران مرد ماهر و اعضای اتحادیه ها از حق رأی برخوردار شدند. مردان برای برخورداری از حق رأی، می باشند که از این دهند که شنان دهند، آنها به عنوان خانه دار، صاحب خانه، مجرم، مستأجری که ۱۰ پوند می پردازد و یا دارای مدرک دانشگاهی وغیره است، از تمنک لازم برخوردار است. بر اساس یک ارزیابی، این بیش شرط موجب شده بود که ۷۰ درصد از جمعیت بالغ در انگلستان و لز از حق رأی محروم باشند. کلیه زنان، پسرانی که با والدینشان زندگی می کرند، خدمه های خانگی که با کارفرمایان زیر پاگان ها به سر می برند. این شامل حال ۴۲ درصد از مردان بود (Freemu و Buttler ۱۹۶۸ ص ۱۵۵) مسائل سیاسی بریتانیا لندن ۱۹۶۸ ص ۱۵۵) شرط نهایی برای برخورداری از حق رأی، اقامت در محل به مدت ۱۲ ماه بود. این شرط به زیان رأی مردان دهنگان کارگر، خصوصاً در لندن بود. زیرا مردان مجبور بوندند، نزدیک محل کار خود باشند چرا که هزینه حمل و نقل عمومی یک مشکل جدی بود. (جز افیای سیاسی انتخابات

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و اشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

آلمان

K . A . R  
Postfach 160531  
60068 Frankfurt  
Germany

دانمارک

دانمارک

I . S . F  
P . B . 398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

سوئد

M . A . M  
Postbox 1144  
75141 Uppsala  
Sweden

سوئیس

Sepehry  
Postlagernd  
3052 Zollikofen  
Switzerland

فرانسه

A . A . A  
MBE 265  
23 , Rue L ecoubre  
75015 Paris  
France

کانادا

K.Z  
P.O.BOX 2488  
Vancouver B.C  
V6B 3W7  
Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد موردنظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.

I . W . A  
6932641 Postbank  
HOLLAND

شماره های فکس سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹  
۰۰۴۴۸۷۰۱۶۱۸۸۲۷۱  
۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

## از صفحه ۱ مبارزه طبقاتی و رهائی زن (۳۸)

۵ سال طول کشید تا انجمن مختلط کارگران فلزکار (ASE) عضویت کارگران نیمه ماهر را پنیرد. در اوت ۱۹۱۴، کارگران نیمه ماهر تنها ۱/۶ درصد از اعضاء ASE را تشکیل می داشند (hinton - لندن ۷۳ - ۷۲ صفحه ۷۲) اتحادیه فلزکاران آلمان (DWV) که دیتر نیز وارد صحنه شده بود، تشکیلی به مراتب بزرگ تر از تشکل مشابه خود در انگلستان بود. در سال ۱۹۱۴ ، در حالی که ASE تنها ۱۷۴۰۰ عضو داشت. (مانندی ژورنال- دسامبر ۱۹۱۵) ، تعداد اعضاء DMV به ۴۵۰۰۰ نفر رسیده بود (Zahlen در - برلین - صفحه ۱۲۲ ASE) تا سال ۱۹۴۳ هیچ عضو زنی نداشت ، اما تعداد اعضاء زن DMV که ۲۲۵۵۱ (۷ درصد کل اعضاء) بود، در سال ۱۹۱۷ ، به ۸۳۲۶۶ (با ۲۱ درصد کل اعضاء) افزایش یافته بود. (همانجا ص ۱۳۲ ) گرچه اتحادیه های حرفه ای انگلیس ناگزیر بودند که به منظور حصول به تأمین اقتصادی، بارها به مبارزات سرسختی علیه کارفرمایان دست بزنند، اما در بعد تاریخی، اتحادیه گرایی حرفه ای، لطماتی جدی به طبقه کارگر، هم زنان و هم مردان وارد آورد. کارگران مرد ماهر در اتحادیه های نیرومند که "آریستوکراسی کارگری" را تشکیل می دادند ، عملاً از استغلال دائمی برخوردار بودند، در حالی که اکثریت کارگران در بازار شکفت انگیز فروش نیروی کار به کارفرمایان بودند. این کارگران ماهر از دستمزدهای بالا، تحصیلات و فرهنگ برخوردار بودند. آنها به لحاظ اجتماعی به افسار پائینی طبقه متوسط نزدیک تر بودند تا

پیشنهادی را که برای مقید ساختن اعضاء ارائه شده بود با شکست روبرو ساختند. چرا که نگران ترس و رنجش رهبران اتحادیه ها بودند. پیشنهادی که مطرح شد، از این قرار بود که: "در هر انتخاباتی، تنها از کاندیداهایی حمایت و به آنها رأی داده شود که اهداف، سیاست و برنامه حزب مستقل کارگر را پذیرفته اند و عضو یا ... نامزدهای احزاب لیبرال، رادیکال، محافظه کار و ناسیونالیست ایرلند یا یونانیست نیستند." (leg ص ۹۹)

در صفحه ۷

با تشکر از تمام سازمان های سیاسی، رفقا و دوستانی که به مناسبت فرارسیدن سال جدید، برای سازمان ما کارت تبریک ارسال نموده اند، ما نیز متقابلاً سال جدید را تبریک می گوئیم.

با این امید که سال جدید، سالی سرشار از موفقیت و پیروزی و رهایی توده های زحمتکش مردم ایران باشد.

سازمان فدائیان (اقلیت)

نشانی ما بر روی اینترنت:  
<http://www.fedaian-minority.org>



Organization Of Fedaian (Minority)  
No. 426 apr 2004

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی \_ برقرار باد حکومت شورایی